

نگاه کارشناس

مسعود اکبری
جرم شناس

لزوم کنترل
ورود افغانه
به ایران

گزارش تپش از جرایم اتباع افغان

مجرم مورد نظر نمی باشد در دستگیر

تقریباً در تمام شهرهای ایران تفریحی، وسایل حمل و نقل افغانستان را می بینید که در حضور افغان های مجاز و غیر مجاز سال ۱۳۹۵، حضور بیش از ۱/۵ باعث شد صدها هزار افغان به به شکل تصاعدی بالا رفت. در افغان در ایران حضور دارند. احمد وحیدی، وزیر کشور تیر بیش از پنج میلیون افغان اعلام شده از سوی او، مربوط به دارند یا شامل اتباع بدون مدارا برای درک بهتر موضوع و ایر فلاح تپیشه، رئیس سابق کمی تعجب برانگیز است: «فقط در طبق آخرین خبری که از یکی می شوند. بخش بزرگی از کسان



یکی از مسائلی که جرم شناسی به دنبال تحلیل، تبیین مبانی و توصیف ارکان آن است، جرایم ناشی از حضور اتباع بیگانه است. زمانی که افراد دارای تابعیت بیگانه وارد کشور مهاجرپذیر می شوند، اعم از این که ورود آنها قانونی یا غیرقانونی باشد، نوعی تعارض فرهنگی در تلاقی و تقابل با فرهنگ کشور مقصد پدید خواهد آمد که در نهایت منتهی به بزه دیدگی اتباع بیگانه یا بزهکاری ناشی از نوعی خلأ هنجار خواهد شد. بنابراین جرم شناسی فرهنگی و جامعه شناسی جنایی، همواره درصدد حل این بحران اجتماعی است و از طریق مداخله در عملکرد فکری و آموزش به افراد، برنامه های پیشگیرانه خود را عملی خواهد ساخت. موضوع حضور اتباع افغان در کشور ماموضوع جدیدی نیست. علاوه بر این که مشکلات زیادی در رابطه با اسناد سجلی و حضور فیزیکی آنها در حوزه مرزهای کشور وجود دارد، نوعی تعارض و تلاقی فرهنگی نیز بر این مسأله بار خواهد شد. از آنجا که معمولاً افراد فقیر و تهیدست افغان برای کار، فعالیت جسمانی و کسب درآمد وارد کشور ایران می شوند، این موضوع باعث خواهد شد تا علاوه بر تلاش برای کسب منافع بیشتر و وجود موانع این کار، مرتکب جرایمی از قبیل سرقت، اخاذی، زورگیری و... نیز شوند. مضاف بر این، امکان بزه دیده شدن آنها نیز وجود دارد، زیرا انجام برخی اقدامات ناشی از فرهنگ کشور افغانستان در ایران، ممکن است تا حدودی در تعارض با فرهنگ و عرف های کشور ما باشد و همین موضوع باعث ایجاد نوعی تنش، درگیری و ایراد ضرب و جرح عمدی یا تخریب شود. ممکن است در برهه ای از زمان، جرایم ارتكابی توسط افغان های مقیم ایران از حیث آمارهای ارائه شده توسط مراجع رسمی و غیررسمی، افزایش چشمگیری پیدا کند. در توجیه این مسأله، می توان گفت بزه دیده واقع شدن اتباع افغان یا اطلاق برچسب مجرمانه به آنها، منجر به نوعی اتحاد برای دفاع از حق امنیت در مقابل بزه دیدگی در آنها خواهد شد و در ادامه، مرتکب اعمال مجرمانه از نوع جرایم توده ها با مشارکت چند نفر می شوند تا با استفاده از این شیوه، بتوانند با تعارض های ایجاد شده مقابله کنند. به نظر می رسد حضور اتباع افغان در ایران، به رغم اشتراکات فرهنگی، همواره منتهی به نقض حقوق آنها، بزه دیدگی و در برخی موارد بزهکاری باندی و گروهی می شود. برای جلوگیری و پیشگیری از این معضل، لازم است ورود اتباع افغان از مرزهای ایران به شدت تحت کنترل قرار گرفته و کاملاً ساماندهی شود تا افراد به صورت غیرقانونی وارد کشور نشوند. همچنین برگزاری کلاس های آموزشی و فرایند توجیه آنها از حیث تفهیم مفاد قوانین ایران و بررسی موارد تعارض فرهنگی، می تواند در پیشگیری از بروز مشکلات مجرمانه و بزه دیدگی موثر واقع شود.

گروگانگیری اتباع در خاک ایران

۱۵ مرداد امسال بود که خبر یک گروگانگیری در تهرانسر، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ را به محل حادثه کشاند. گروگانگیری در یک خانه مسکونی اتفاق افتاده و پنج گروگانگیر ۲۲ تا ۳۳ ساله که همگی از اتباع کشور همسایه بودند، دو فرد ۲۱ و ۲۴ ساله از اعضای یک خانواده را با استفاده از سلاح سرد به گروگان گرفته، برای آزادی آنها طلب ۲۰۰ هزار دلار کرده بودند. در حالی که گروگانگیران مشغول شکنجه دو گروگان خود بودند، ماموران انتظامی کلانتری ۱۵۰ تهرانسر با انجام یک عملیات پلیسی هر پنج نفر را دستگیر کردند.

قتل مادر، پسر و دختر ایرانی توسط مرد افغان

آذر سال ۹۲، زنی با مراجعه به دادسرای امور جنایی تهران از ناپدید شدن اعظم، خواهر ۵۸ ساله و فرهاد پسر ۱۹ ساله اش خبر داد. با آغاز تحقیقات، کارآگاهان اداره یازدهم متوجه شدند فردی با خودروی بی ام و، قصد ورود به خانه این مادر و پسر را دارد. در ادامه بررسی ها مشخص شد این جوان به نام یوسف که از اتباع افغانستان بود، خود را اچاره کرده است. یوسف پس از دستگیری در بازجویی ها گفت مدتی پیش همراه اعظم و پسرش به نمک آبرود رفته اند اما پس از چند روز برگشته و دیگر از سرنوشت مادر و پسر خبر ندارد و آنها احتمالاً به آمریکا رفته اند. تحقیقات اما نشان داد آنها از کشور خارج نشده اند. در نهایت یوسف به قتل اعتراف کرد و گفت ۱۶۰۰ سکه برای اعظم خریداری کرده و اعظم نیز به او چند فقره چک داده اما چک ها برگشت خورده است. وقتی یوسف درخواست پول کرده، اعظم گفته پول ها را به خارج از کشور منتقل کرده و پولی ندارد. یوسف که کینه به دل گرفته بود، در مسیر بازگشت از نمک آبرود به هر دو آیمیه مسموم خوانده، سپس آنها را به داخل چاه انداخته و با ریختن بنزین، اجسادشان را به آتش کشیده است. اما این پایان کار نبود و او یک دختر ایرانی به نام زهرا را که از ازدواج با او منصرف شده بود هم به قتل رسانده بود.

